

از شوکتیه تا دانشگاه بیرجند

(۱۳۵۱ - ۱۲۸۶ ش)

(با رویکردی به زمینه‌های استقرار آموزش نوین در ایران)

تألیف:

دکتر محمدرضا میری و دکتر محمدامین ناصح



اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی دانشگاه بیرجند موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

از شوکتیه تا دانشگاه بیرجند (با رویکردی به زمینه های استقرار آموزش نوین در ایران)

تألیف: دکتر محمدرضا میری و دکتر محمدامین ناصح

ناظران فرهنگی: محمد مطهری فر و محمدحسین جعفری
طرح روی جلد، صفحه آرای و ترمیم عکس: سید مجتبی حسینی
ویراستاری متن: نسرين خرمين دار
ورود اطلاعات رایانه ای: مصطفی حدّاد

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ نخست

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲

لیوگرافی و چاپ: واصف

ناشر: انتشارات فکر بکر



حق چاپ و نشر محفوظ است

سرشناسه: ناصح، محمدامین، ۱۳۴۵-
عنوان نام پدیدآور: از شوکتیه تا دانشگاه بیرجند (۱۳۵۶-۱۳۸۶ ش.): (با رویکردی به زمینه های استقرار آموزش نوین در ایران)/ تألیف محمدامین ناصح، محمدرضا میری، [به سفارش دانشگاه بیرجند، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان جنوبی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران].
مشخصات نشر: تهران: فکر بکر، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۴۴۰ ص.: مصور.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۶۰-۹۲-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: آموزش و پرورش -- ایران -- تاریخ

موضوع: مؤسسات علمی و آموزشی -- ایران

شناسه افزوده: میری، محمدرضا، ۱۳۴۰-

شناسه افزوده: دانشگاه بیرجند

شناسه افزوده: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

شناسه افزوده: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

رده بندی گنگره: ۱۳۹۲ ۴ الف ۱۶/ن ۱۳۵۱ LA

رده بندی دیویی: ۳۷۰/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۷۵۳۳۹

پیشکش بہ روان پاک آموزگار ان ودیران مقدم
مارس پسرانہ ودخترانہ شوکتیہ
کہ کتاب علم و اخلاق ایشان،
دانش آموختگان ممتازی را بہ جامعہ عرضہ نمود
ودرشد فرہنگی شرق کشور موثر افتاد.



۷	سخن وزیر محترم آموزش و پرورش
۹	سرآغاز
۱۱	مقدمه
۱۷	فصل یکم: نهادهای آموزشی در ایران باستان
۲۳	فصل دوم: مدارس در ایران اسلامی
۲۸	- مکاتب قدیمه
۳۹	- مدرسه های اسلامی و نظامیه ها
۵۱	فصل سوم: آشنایی اربابان با علم و صنعت غرب
۶۳	فصل چهارم: تأسیس دارالفنون و گشایش مدارس نوین
۷۷	فصل پنجم: توسعه آموزش و پرورش با تأسیس وزارت علوم (معارف)
۷۹	- مدرسه البرز (کالج آمریکایی تهران)
۸۰	- مدرسه رشديه
۸۳	- مدرسه علمیه
۸۴	- مدرسه علوم سیاسی
۸۸	- مدرسه سعادت بوشهر
۹۱	فصل ششم: تداوم گسترش مدارس از شروطه تا پایان دوره قاجاریه
۱۰۱	فصل هفتم: آموزش و پرورش در دوره پهلوی
۱۰۷	فصل هشتم: پیشینه آموزش و پرورش نوین در متخی از استان ها
۱۰۸	- نخستین مدارس اصفهان
۱۱۵	- نخستین مدارس زنجان
۱۲۳	- نخستین مدارس سیستان و بلوچستان
۱۳۲	- نخستین مدارس شیراز
۱۳۹	- نخستین مدارس کرمانشاه
۱۵۵	فصل نهم: پیشینه آموزش و پرورش در خراسان
۱۵۶	- مدارس اسلامی در خراسان بزرگ
۱۶۱	آموزش و پرورش نوین در استان خراسان رضوی
۱۶۱	- شهرستان مشهد و چند شهر منتخب
۲۱۱	آموزش و پرورش نوین در استان خراسان شمالی
۲۱۱	- شهرستان بجنورد و چند شهر منتخب
۲۲۳	آموزش و پرورش نوین در استان خراسان جنوبی
۲۲۳	- شهرستان بیرجند و چند شهر منتخب
۲۷۷	فصل دهم: پیوند مدارس نوین به آموزش عالی
۲۸۶	- دانشگاه بیرجند
۳۰۹	پیوست ها
۳۱۰	- پیوست یکم: اسناد تاریخی
۳۳۸	- پیوست دوم: عکس های تاریخی
۳۶۴	- پیوست سوم: نمایه نام دانش آموزان مدارس شوکی و دولتی بیرجند و حومه
۴۲۸	کتابنامه

دانش آموختگان برگزیده شوکتیه



دکتر محمدامیر بیرجندی

(متولد ۱۲۸۳)

استاد فقید تعلیم و تربیت،
معاون تعلیماتی وقت وزارت فرهنگ
و رئیس اسبق دانشگاه ابرویحان
(سپاهیان دانش)

استاد سید محمد فرزاد

(متولد ۱۲۷۴)

بنیانگذار فرهنگ سیستان،
رئیس وقت فرهنگ بنادر جنوب،
شاهرود و بیرجند،
متفاد اسبق و مدرس دانشگاه تهران



دکتر سعید حسینی



استاد فقیه اسلامی،
رئیس وقت دانشگاه تهران،
معاون اسبق وزیر علوم و
عضو پیوسته فرهنگستان زبان

دکتر کاظم مومنزاده

(متولد ۱۳۱۳)

استاد فقید علوم ارتباطات
دانشگاه علامه طباطبائی



دکتر غلامحسین شکوهی

(متولد ۱۳۰۵)

استاد پیشکسوت تعلیم و تربیت
دانشگاه تهران، چهره ماندگار علمی
و نخستین وزیر آموزش و پرورش
جمهوری اسلامی ایران



سخن وزیر محترم آموزش و پرورش

دوران درخشان تمدن اسلامی با دستاورهای علمی ارزنده آن که محصول مکاتب، مدارس و نظامیه ها در سراسر بلاد اسلامی بود، در سده های بعد در پی حوادث تاریخی چندی، رو به افول نهاد و در این میان، سرزمین ایران گاه در دست حاکمان بی خبری قرار می گرفت که حتی زبان مادری آنها فارسی نبود و اعتنای چندانی به پویایی و نوپایی از خود بروز نمی دادند. این گونه بود که تفکر فلسفی و روحیه پرسش گری و نقادی پس از دوران صفوی مجال رشد نیافت.

در سده های اخیر و در پی افزایش نسبی روابط سیاسی و بازرگانی کشورمان با سایر ممالک و آشنایی بیش از پیش ایرانیان با علم و صنعت روز و جلوه های تمدن نوین، زمینه های جدیدی برای توسعه دانش و فناوری مهیا شد و این حرکت رو به رشد، نخست با تأسیس نهادهای آموزشی نوین توسط اقلیت های مذهبی و متعاقباً افتتاح مدرسه تاریخی «دارالفنون» در سال ۱۲۶۸ قمری / ۱۲۳۰ شمسی، نمودی عیان یافت. با گشایش وزارت علوم در سال ۱۲۷۲ قمری / ۱۲۳۴ شمسی، روند گسترش مدارس و بسط آموزش نوین در ایران قوت گرفت؛ تا جایی که در آستانه جنبش مشروطه، ده ها مدرسه جدید عمده در تهران افتتاح شد.

مدرسه شوکتیه بیرجند یکی از مدارس نوینی است که در سال ۱۳۲۵ قمری / ۱۲۸۶ شمسی توسط حاکم وقت بیرجند، محمدابراهیم خان شوکت الملک تأسیس شد. این مدرسه تاریخی و شعبات اقماری آن در نواحی مختلف خراسان جنوبی که زمینه تحصیل رایگان دانش آموزان طبقات مختلف شهری و روستایی را در خلال بیش از هفتاد سال ارائه خدمات مستمر آموزشی، مهیا ساخته بود، موجب تحولات اجتماعی و فرهنگی مثبتی در مناطق محروم شرقی ایران گردید و ده ها دانش آموخته فاضل و چهره ماندگار علمی را که بعضاً نقش پدیری برای رشته تخصصی خود ایفا نموده اند؛ چون استادان فقید دکتر محمدحسن گنجی (جغرافیا)، دکتر کاظم معتمدنژاد (ارتباطات) و دکتر غلامحسین شکوهی (تعلیم و تربیت) که عمرش دراز باد به کشور تقدیم نمود.

شهریورماه سال ۱۳۸۲ شمسی، همایش ملی مبارکی در بزرگداشت یکصدمین سال گشایش مدرسه تاریخی شوکیه با حضور وزیر وقت آموزش و پرورش در بیرجند و نیز مشارکت گروه انبوهی از دانش آموختگان دوره های مختلف آن برپا شد و تجلیل باشکوهی از معلمین و دست اندرکاران متقدم آن انجام گرفت.

جای خوشوقتی است که در آستانه یک صد و دهمین سال تأسیس این نهاد آموزشی (۱۴۲۵-۱۳۲۵ ق)، اطلاعات منسجم و مستندی از روند توسعه آموزش نوین در نواحی مختلف کشور از جمله مناطق مرزی شرق ایران به اهتمام دانشگاه بیرجند فراهم گردید تا چراغ راهی برای پژوهندگان علاقه مند باشد. ضمن گرامی داشت یاد و نام معلمین، دبیران و دانش آموختگان فاضل آن مدرسه تاریخی، برای مؤلفین محترم در تداوم این مسیر برکت خیز، به روزی و توفیق الهی مسئلت دارم.

دکتر علی اصغر فانی

وزیر آموزش و پرورش

سرآغاز

بر اساس مدارک قابل استناد، آموزش و پرورش به شیوه های کهن (غیررسمی یا رسمی)، پیش از ورود آریائیان به سرزمینی که بعدها نام «ایران» به خود گرفت، وجود داشته است. وظایف آموزش و پرورش در گام نخست در نهاد خانواده شکل گرفت و با دیگر نهادهای ارزشی جامعه نیز پیوند تنگاتنگ یافت و دو امر حیاتی و اجتماعی «آموزش» و «پرورش» در هم آمیختگی با یکدیگر قرار گرفتند. در مسیر تحولات «آموزشی» و «پرورشی»، به تدریج نهاد مستقل آموزش و پرورش نضج گرفت و با اهداف و اصول و روش های مقبول، راه انتقال معارف و میراث فرهنگی گذشتگان را به آیندگان تسهیل نمود.

پژوهش درباره نظام آموزشی در هر جامعه ای به تاریخ، فرهنگ و تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن جامعه مرتبط است. آموزش بر پایه خصایص فردی انسان با آزادی و اختیار پیوند دارد و از آنجا که امری اجتماعی است، هدف آن است که نسل جدید (آموزش گیرندگان) از لحاظ جسمی، فکری، اجتماعی و معنوی به سطحی برسند که نسل پیشین (مربیان) خواهان آن هستند. لذا مربیان، رفتارهای نهاد مزبور را بر پایه «اصول و اهدافی» نظم می دهند که از بطن جامعه و خاستگاه فرهنگی آن نشأت می گیرد.

به روایت تاریخ، شهر بیرجند به عنوان کانون تمرکز شیعه در مرزهای شرقی ایران، همواره در دفاع از قلمرو حساس سیستان نقش محوری داشته است و حاکمان محلی آن با وجود دوری از مرکز، در حراست از یکپارچگی ارضی این خطه از کشور، کوشا بوده اند. در سده های اخیر، طمع دولت های اروپایی برای تأمین برخی منافع آشکار و پنهان خود در بخش هایی از مستعمرات شبه قاره هند و معاف از افزایش رفت و آمد نمایندگان آنها در این نواحی به موازات تحرکات رقابت آمیز روس ها در پیش گیری از نفوذ نیروهای غربی به سرزمین های جنوبی خود، مجموعاً شرایطی را موجب شد که حاکم نشین بیرجند به دومین کانون توجه دول شرق و غرب پس از مشهد در طول نوار مرزی شرق ایران از سرخس تا چابهار مبدل گشت و بیگانگان نیز به منظور رایزنی با حاکمان محلی این سامان جهت استقرار دفاتر نمایندگی خود، برنامه هایی را در دستور کار قرار دادند.

در طلوع جنبش مشروطه، موهبت ورود رسمی آموزش نوین به قلمرو جنوبی خراسان و استقرار آرام مراکز آموزشی به سبک جدید در بیرجند حادث شد و نسیم روح بخش دانش و خردورزی در این خطه از میهن وزیدن گرفت. این اتفاق خودانگیخته و مبارک در

شرایطی که دولت مردان کشور در پی خبری می زیستند، برای ساکنان نواحی شرقی ایران، عطیه ای ارزنده و ثمربخش محسوب می شد و به تدریج، موجبات آشنایی آنان را با برخی مظاهر تمدن روز و ارتقای سطح بینش عمومی فراهم نمود؛ همان عطر دل انگیز فرهنگ که اینک موجب فخر و بالندگی مردمان این سامان شده است.

باید یادآور شد که رُخداد این مهم و برپایی عَلم آموزش نوین، متکی بر پیشینه مدید آموزش مذهبی در مکاتب کهن قُهستان، به ویژه مدرسه تاریخی معصومیه بیرجند (قرن ۱۲ ق) بوده که در دامان خود، جمعی از علمای بصیر و روشن بین این دیار را پرورش داده است. این علمای پیشازنه تنها با استقرار مدارس نوین در حاکم نشین بیرجند معاندتی نورزیدند، بلکه عملاً در صف مشوقین ایجاد و توسعه این مراکز در بخش های پیرامون شهر قرار گرفتند. حضور بی چند از علمای روحانی منتخب در پیشبرد امر آموزش در مدارس پسرانه و دخترانه شوکتیه و نیز شعب اقماری آنها در برخی نواحی پیرامونی شهر، گواهی بر این ادعاست.

اینک که بیش از یک قرن از گشایش این مدرسه تاریخی و میراث گران سنگ فرهنگی می گذرد، خوشوقتیم که به اهتمام دانشگاه بیرجند؛ به عنوان ثمره این شجره طیبه و نیز همیاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی و به یادبود یکصد و دهمین (۱۴۳۵-۱۳۲۵ ق) سال تأسیس آن بنای رکس و انسان ساز، امکان ارائه سده نامه شوکتیه به گونه ای منقح و مستند در طلیعه سی و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران میسر گشت تا ادای دینی باشد به پیشگامان فرهنگ این شهر کویری و دانش آموختگان فاضل آن نهاد آموزشی که گرچه غالباً رُخ در نقاب خاک کشیده اند ولی نام نیک آنها همچنان جاری و ساری است.

محمد مطهری فر

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان جنوبی

و دبیر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان

بهمن ۱۳۹۲

شکوه مندی فرهنگ و مدنیت برخی از جوامع، می تواند نشان دهنده والایی و کارایی نهاد آموزشی آن جامعه باشد، زیرا انتقال و تحویل موارث یک جامعه از نسلی به نسل دیگر، خود موجب تراکم و ترقی تمدن و باروری فرهنگ آن جامعه می شود. این مسئله از دوره های نخست زندگی انسان؛ یعنی آموزش های غیررسمی و عملی تا دوره های جدید و پیدایش خط و ایجاد مدرسه و آموزشگاه، مشهود است که البته در بخش آموزش های عالی جلوه فرهنگی جامعه، طبعاً نمود بیشتری دارد.

در دوره اول و در سلطنت قاجاریه با اعزام دانشجو به خارج، تأسیس مدرسه های میسیونری، بنیاد مدرسه بزرگ دارالفنون، ایجاد وزارت علوم و تأسیس مدرسه های جدید در سطوح ابتدایی و متوسطه و گاه عالی، حرکتی در جامعه سنتی ایران پدید آمد که این حرکت خود در شکل گیری نهضت مشروطیت نقشی تعیین کننده داشته است. البته نظام جدید حکومتی کشور نیز در ترویج آموزش و پرورش نوین تأثیر گذار بوده ولی پاسخگوی جامعه آن روزگاران ایران نبوده است.

کسب اطلاع از وقایع و رویدادهای ایام برپایی نخستین مدارس متقدم پسرانه و دخترانه در تهران یا بعضاً در مراکزی از استانها از طریق مطالعه آثار معدودی که هر یک پنجره ای رو به تاریخ آموزش و پرورش معاصر ایران می گشاید، میسر و خواندنی است که در پژوهش حاضر نیز به فراخور حال و مجال، مورد اشاره قرار گرفته اند: یحیی دولت آبادی در اثر خود به نام «حیات یحیی» اطلاعاتی در باب نضج یافتن مدارس جدید در مرکز ارائه نموده است. عبدا... مستوفی نیز در اثری به سبک زندگینامه با عنوان «شرح زندگانی من» اطلاعات پراکنده ای از رویدادهای فرهنگی زمان خود عرضه داشته است. محمودخان غلامیر احتشام السلطنه و میرزا علی خان امین الدوله نیز هر یک در خاطرات خویش به برخی از اقدامات خود در باب جلوه های توسعه فرهنگی چون شکل گیری انجمن معارف، حمایت از فرهنگ پروران و بنیان مدارس جدید و ... اشاراتی دارند. میرزا حسن رشدیه در کتاب «سوانح عمر» یا «پیر معارف» به شرح فعالیت های خود در تأسیس مدارس جدید و مبارزه با کارشکنی ها و مشکلات پیش رو پرداخته است.

در آثار مشروطه نویسانی چون احمد کسروی، مهدی ملک زاده و ناظم الاسلام کرمانی هم اطلاعاتی در باب مدارس جدید، چهره های مؤثر در ترویج این نوع مدارس و فرهنگ جدید به همراه اسامی تعدادی از مدارس متقدم به ویژه در تهران، آمده است.

در برخی سفرنامه های مستشرقین نیز، به شیوه آموزش در ایران و نحوه عملکرد مکتب خانه ها پیش از استقرار مدارس جدید اشاراتی رفته است.

در این ارتباط، تحقیقات جدید ویژه تعلیم و تربیت و تاریخ فرهنگ در ایران معاصر را نیز نباید از نظر دور داشت: دکتر عیسی صدیق در «تاریخ فرهنگ ایران» و نیز «یادگار عمر»، حسین مجوبی اردکانی در «تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران»، سهیلا ترابی فارسانی در «اسنادی از مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی»، اقبال قاسمی پویا در «مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان»، ناصر تکمیل همایون در «آموزش و پرورش در ایران» و ... هر یک بر گوشه ای از اقدامات آغازین در شکل گیری و بسط مدارس نوین، پرتو افکنده اند.

در موضوع تاریخ محلی آموزش و پرورش نیز تاکنون آثاری مربوط به پیشینه آموزش و پرورش در استان های پشیمان کشور به زیور طبع آراسته شده است که از آن جمله می توان به آثار حسن امتداد در «تاریخچه آموزش و پرورش فارس از دوران باستان تا امروز»، عبدالکریم مشایخی (۱۳۷۸) در «مدرسه سعادت بوشهر از چند زاویه»، ایرج آقاملایی در «تاریخچه آموزش و پرورش نوین مشهد»، یوسف متولی حقیقی در «تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی»، محمدعلی علوی کیا و محسن رستمی گوران در «تاریخ آموزش و پرورش نوین کرمانشاه»، اصغر محمدی خواه در «تاریخچه پیشگامان و پیشروان آموزش و پرورش استان زنجان تا پیروزی انقلاب اسلامی»، زهرا حامدی در «مدارس جدید و پیامدهای آموزش نوین در فارس از مشروطیت تا پایان دوره قاجاریه»، اسفندیار معتمدی در «اصفهان، مدارس نوین و مفاخر آن» و ... اشاره نمود.

با بررسی تطبیقی روند ایجاد و گسترش مدارس نوین ایران در عهد قاجار، می توان به این جمع بندی رسید که اغلب مدارس متقدم در تهران و برخی استان های کشور، توسط گروه های مسیونری مسیحی، لازاریست ها و آلیانس جهانی یهود با اهداف تبلیغات مذهبی برپا شده بودند. متعاقباً از میان مدارس نوپای ایرانی نیز معدودی چون دارالفنون را می توان مبتنی بر دوراندیشی و عزمی جدی، برنامه ای روشن و پشتوانه قوی سیاسی و اقتصادی مؤسس ارزیابی نمود که موجبات تداوم روند آموزش در آن را برای چند دهه فراهم نموده است. از آن سو، مدارس متقدم زیادی در عصر مشروطه، زاده نوعی ژست موقت سیاسی جهت ابراز جلوه ای از مشروطه طلبی، متناسب با حال و هوای آن روز و البته در مواردی نیز ممکن است برخاسته از نیت خیر واقفی

فرهنگ دوست بوده که اغلب به شهریه دریافتی از دانش آموزان متکی بوده اند و لذا مدتی پس از گشایش به علت فروکش نمودن انگیزه های موقت مؤسسين يا به دلایلی چون عدم مقبولیت مردمی، حدوث مشکلات مالی، در اختیار نداشتن فضای آموزشی مناسب، ایجاد اختلافات داخلی یا بروز تعارضات مذهبی، لاجرم به تعطیلی می- گراییدند یا لاقلاً افت کیفیت خدمات آموزشی در آنها محسوس بوده است.

بررسی برخی اسناد مدارک معتبر، از مشکلات عدیده موجود بر سر راه تداوم مدارس نوین در سده اخیر حتی در شهرهای بزرگ کشور پرده بر می دارد. به نقل از حسین محبوبی اردکانی در کتاب مرجع «تاریخ مؤسسات تمدنی جدید»، تشکیلات فرهنگی میرزا حسن رشديه در تبریز در چند نوبت با زرنیخ و باروت، مورد تهاجم جمعی سنت پیشه واقع شده و به تعطیلی چندباره دبستان و مصدومیت دانش آموزان ختم گردیده است تا دیگر کسی تصور اجاره دادن چند اطاق برای برپایی مدرسه را از ذهن خود دور کند! میرزا حسن رشديه که از تبریز آواره شده بود، بار دیگر در مشهد به فکر برپایی کلاس درس افتاد که در آنجا نیز مورد تعرض گروهی از متعصبین واقع شد و ضمن غارت اموالش، دست او را نیز شکستند. متعاقباً صدراعظم وقت با رشديه که قصد ایجاد مدرسه ای در تهران داشت، درافتاد و اولیای شاگردان که از مخالفت امین السلطان با رشديه آگاه شده بودند، از ترس صدراعظم، فرزندان خود را از مدرسه رشديه بیرون کشیدند و در نتیجه این اقدام، مدرسه تعطیل گردید و خود مؤسس نیز از ترس مخالفین به قم پناهنده شد! در اصطهان هم ابتدا دو مدرسه باز شد ولی مخالفت عده ای نگذاشت که پایدار بماند و حتی به یکی از بانیان این مدارس، حد شرعی زدند! مدیر مدرسه متقدم زنجان همراه با همکارانش به صورت مسلحانه در کلاس درس حضور می یافتند! در کرمانشاه نیز، مردم دختران خود را مسلح تا مدرسه مشایعت می کردند و سیدحسین کزازی، رئیس معارف را به جرم تشویق گروهی از بانوان جهت برپایی نخستین مدرسه نسوان، ترور کردند!

همچنین در مرور تاریخ آموزش و پرورش برخی استان ها در اثر پیش رو خواهیم دید که به دلیل مضایق مالی، مدیر فرهنگ یکی از ولایات، برای کسب درآمد و امکان پرداخت دستمزد کارکنان، ناچاراً به تخصیص فضای باز مدارس جهت ایجاد چند واحد تجاری و اجاره آنها به عموم روی می آورد یا برای تأمین هزینه لباس شاگردان و پرداخت اجاره مکان مدرسه و حقوق معلمین، ناگزیر از برگزاری مراسم سیرک و اجرای نمایش عمومی با هدف جمع آوری عایدات بوده اند. این قبیله معذوریت های

مالی و بروز اشکالات مدیریتی لزوماً محدود به آموزش و پرورش شهرستان‌ها نمی‌شده و حتی گاه به دارالفنون که نهادی اشرافی و ویژه نجبا بوده نیز سرایت می‌نموده است که با برخی از مصادیق آن در متن کتاب حاضر آشنا خواهیم شد. با نگاهی تطبیقی به پیشینه آموزش نوین در شهرهای مختلف ایران، جای خوشوقتی دارد که مدرسه تاریخی «شوکتیه» در بیرجند، صرف نظر از این که در نوع خود، چندمین مدرسه کشور محسوب می‌شده است، در تأمین هزینه هایش، متکی به موقوفات اطمینان بخشی بوده و لذا نه تنها هیچ مبلغی از شاگردان اخذ نمی‌شده، بلکه به تعداد قابل‌ی از آنان، ارزاق لباس و کمک هزینه تحصیلی نیز اعطا می‌شده است. خواهیم دید که این مدرسه از همان ابتدا، بر مدار مشاوره و برنامه ریزی کارشناسان مجربین داخلی شکل یافته و از بدو امر، دارای بنایی موعظم و متناسب با کاربری مطلوب آموزشی بوده است که نتیجتاً موجب تداوم بهینه امر آموزش در خلال چندین دهه متمادی شده و تمهیدات مزبور، بقای خدمات آموزشی آن را به دور از افت و خیزهای جدی تضمین نموده بود. بدیهی است که پشتوانه سیاسی و اقتصادی حاکم وقت و جلب حمایت معنوی روحانیت روشن بین شهر و به تبع، اقبال عامه نسبت به مدارس پسرانه (۱۲۸۶ ش) و سپس دخترانه (۱۳۰۰ ش) و نهایتاً جذب دانش‌آموختگان در مشاغل مقبول دولتی، در استمرار حیات این مراکز آموزشی مؤثر بوده و طبیعی است که شاهد تداوم بیش از نیم قرن جریان مستمر آموزش در دوره‌های مختلف تحصیلی و تقدیم صدها دانش‌آموخته پیش‌تاز به جامعه و نهایتاً اتصال مبارک آن مدارس تاریخی به نهاد مقدس دانشگاه در زمین‌های موقوفه شوکت آباد باشیم.

آنچه جای تأسف دارد اینکه با تورق صفحات اغلب کتاب‌های مرجع در باب تاریخ آموزش و پرورش نوین ایران، شاهدیم که یا در برخی از این آثار، اساساً به پیشینه متقدم و درخشان فرهنگی منطقه وسیع قایمات و سیستان و بلوچستان به مرکزیت بیرجند و خدمات خالصانه صورت گرفته در آن سامان تا آغاز دهه ۱۳۲۰ ش پرداخته نشده و یا به دلیل ضعف اطلاع رسانی در باب فرهنگ رسمی این دیار، به شکلی گذرا مورد اشاره قرار گرفته است! با عنایت به سابقه مدیا و افتخارآمیز تعلیم و تربیت در نواحی یادشده و به منظور پرتو افکندن به ویژگی‌ها و زوایای مختلف آموزش و پرورش در این مناطق، ضرورت تدوین اثری جامع که دربرگیرنده تاریخچه ورود آموزش نوین به مناطق جنوب خراسان و سیستان و بلوچستان باشد و در ضمن، امکان مقایسه عینی مدارس این دیار را با برخی مدارس دیگر در خراسان یا سایر استان‌ها فراهم نماید،

بیش از پیش احساس می شد.

این نقص مشهود در حاشیه بازدید جناب آقای دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس محترم وقت کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی از نمایشگاه سی سال دستاوردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دی ماه ۱۳۸۷ در تهران که به نمایندگی از سوی مقام معظم رهبری صورت می گرفت نیز مورد توجه ایشان واقع شد و دانشگاه بیرجند را در رفع این نقیصه، تشویق نمودند. لذا با بهره گیری از کلیه اسناد و مدارک مرتبط در نهادهای و سازمان های ذیربط در داخل و خارج استان که بسیاری برای نخستین بار مورد رجوع قرار می گرفت، از سال ۱۳۸۸ پژوهش گسترده ای با بهره گیری از همیاری همکار گرامی آقای دکتر محمدامین ناصح که پیشتر از تجربه تحقیقات فرهنگی مرتبط برخوردار بوده اند، در قالب طرح پژوهشی رسمی دانشگاه بیرجند در دستور کار قرار گرفت تا به این تکلیف، پاسخی در خور و شایسته ارائه گردد.

آنچه اینک در آستانه یک صد و دهمین سال تأسیس مدرسه تاریخی شوکتیه، پیش روی خوانندگان علاقه مند می باشد، حاصل تلاش است در حد امکانات و وسع پژوهشی مؤلفین تا ادای دینی باشد نسبت به خدمات ارزنده پیشگامان و مروجین فرهنگ نامدار این سرزمین کویری. خوانندگان پس از مطالعه اطلاعات مندرج در کتاب حاضر می توانند با روند استقرار آموزش نوین در استان های بزرگ کشور و سپس برخی شهرهای خراسان و مصائب پیش روی آنها به طور مستند آشنا شده و آنگاه با در نظر گرفتن محرومیت های حاصل از شرایط اقلیمی و دوری از مرکز در مرزهای شرقی کشور، به مقایسه کیفیت فراگیرشدن تعلیم و تربیت جدید در مدارس آن نواحی با مدارس شوکتیه بیرجند پرداخته و آنگاه به ظرفیت ها و توانمندی های فرهنگی این خطه از کشورمان وقوف بیشتری یابند و به زحمات خالصانه پایه گذاران و خادمین فرهنگ نوین در این گوشه از میهن اسلامی با دیده افتخار بنگرند. جهت مزید استحضار خوانندگان علاقه مند در بخش پیوست، اسناد تاریخی و عکس های چاپ شده ای از فرهنگ بیرجند و حومه با تأکید بر مدارس شوکتیه به همراه نمایه ای از نام دانش آموختگان آنها برای نخستین بار در این مجموعه درج شده است.

در خاتمه ضمن گرامیداشت یاد و نام معلمین، دبیران و مدیران فرهنگی سخت کوش این دیار، از زحمات ارزنده همکار فاضل و کوشا، آقای دکتر ناصح، سرپرست دفتر نمایندگی دانشگاه بیرجند در پیش برد این طرح پژوهشی و فراهم نمودن امکان دسترسی

به اسناد و مدارک این مدارس تاریخی و نهایتاً نظارت بر مراحل تدوین کتاب حاضر بسیار سپاسگزارم. عزم راسخ و پشتکار ستودنی ایشان در این مسیر زمان بر، بحق قابل ستایش است. همچنین به منظور اطمینان از صحت بخش هایی از اطلاعات مندرج در این اثر، جلسات مشاوره با معدودی از دانش آموختگان دوره های نخست این مدرسه نیز برنامه ریزی شد تا به این وسیله نقاط مورد تردید کار، مرتفع گردد. ضمن نکوداشت خاطره استادان فقید دکتر محمدحسن گنجی (متولد ۱۲۹۲) و ابوالفضل رضایی (۱۲۹۴)، از حسن الطاف برخی از معرّین فرهنگی و پیشکسوت بیرجند چون جناب آقایان: محمدکاظم امادی (۱۲۹۶)، محمدابراهیم شیبانی (۱۲۹۸)، محمدرضا راغبی (۱۳۰۰)، محمدحسن نیک کار (۱۳۰۵)، علیرضا عباسیان (۱۳۰۸)، یدالله پوریموت (۱۳۰۹)، دکتر غلامعلی ناصح (۱۳۱۰) و پیر سرکار خانم ها: صدیقه رضایی (۱۳۰۰)، طوبی ناصح (۱۳۰۵) و مهین شیبانی (۱۳۰۷) - که عمرشان دراز باد - قدردانی می نمایم.

به علاوه حمایت اداری برادر گرامی آقای محمد مطهری فر، مدیرکل محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی و نیز معاون اداری و مالی ایشان، آقای محمدحسین جعفری را در ابراز توجه و کمک به نشر اثر حاضر ارج می نهیم. از بذل عنایت آقای مهندس محمد دیمه ور، معاون محترم آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش و نیز حسن نظر دکتر حمیدرضا وردی، مدیرکل محترم آموزش و پرورش خراسان جنوبی سپاسگزاریم. همچنین مساعدت مسئولان مدیریت و کارشناسان محترم «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران» به ویژه آقایان رضا فراستی و حسن کلاته در مستندسازی این مجموعه قابل تقدیر است. نهایتاً از همراهی مؤثر همکاران محترم دفتر نمایندگی دانشگاه بیرجند در تهران، خانم نسرین خرمن دار و آقای مصطفی حداد به ترتیب در امور ویراستاری و نیز ورود اطلاعات رایانه ای این اثر و به علاوه حسن سلیقه آقای سید مجتبی حسینی در طرح روی جلد، صفحه آرایشی و همچنین تقویت عکس ها و اسناد مندرج در کتاب حاضر سپاسگزاری می شود.

از درگاه حق، برای همه این عزیزان، توفیق الهی مسئلت دارم و مشتاقانه در انتظار انعکاس نظرات سودمند خوانندگان مطلع هستیم.

دکتر محمدرضا میری

رئیس دانشگاه بیرجند

زمستان ۱۳۹۲